

زن و اساطیر (ایزد بانوان)

ژیلا صراطی *

شناخت؛ گفتگو؛ تحقیقات؛ مطالعات و طرح دیدگاهها در مورد موقعیت‌های اجتماعی؛ سیاسی؛ اقتصادی و فرهنگی زنان از ادوار گذشته تا کنون همواره بحث و اظهار نظرهای مختلف بوده است و گاه به غلط و یا درست در این زمینه نظراتی اعمال شده است، می‌دانیم که زنان قبل از اسلام بنا به بعضی تصورات گاهی مورد بی‌توجهی‌ها و تحقیرها واقع شده‌اند به عنوان مثال از قدیمی‌ترین عقاید در کتاب مقدس اوستا که تحقیر و بی‌توجهی به زن با عنوان یک موجود فریبنده و دروغگو شروع می‌شود و او به عنوان رواج دهنده دیو پرستی در میان فرزندان آدم متهم می‌گردد و شاید بیشتر به همین دلیل از همان ابتدا مورد تحقیر قرار می‌گیرد.

همچنین در زمانهای گذشته در آئین‌های دیگر چون یهود و مسیحیت زن به عنوان اولین گناهکار در آغاز آفرینش معرفی می‌شود و آمده است که «آباء کلیسا زن را با مار و شیطان برابر کرده‌اند»^۱ اما مختصراً لازم به ذکر است که در دین مقدس اسلام مطابق سوره‌های بقره آیه ۳۶ و اعراف آیه ۲۰ گناه و عصیان ابتدائی در آغاز آفرینش در مورد زن و مرد هر دو با هم آورده شده و جالب‌تر اینکه در سوره طه آیه ۲۵ خطاب مستقیماً به آدم بوده است. و (عصی ربه فغوی) اما از بعد دیگر مسئله نیز مطابق تحقیقات و مطالعات انجام شده ثابت گردیده است که زنان در عصر باستان از امتیازات

و برتری‌هایی نیز برخوردار بوده‌اند و نه تنها در امور خانه و خانواده بلکه در صحنه‌های مختلف اجتماعی؛ سیاسی؛ فرهنگی و همچنین در مسائل دینی نیز اکثراً حاضر بودند چنانچه در عصر ابزار سازی یعنی دو میلیون سال قبل که مردان مشغول شکار و سفر بودند عصر مادر سالاری یا مادر شاهی نامیده می‌شد و در این زمان یعنی تا قبل از ورود آریایی‌ها به ایران اقوام بومی مذهب مادر خدایی داشتند زنان قدرتمند بودند و شان و مقام کسب می‌کردند که این امر باعث تقدس و روحانیت آنان در آن دوران می‌شده است تا حدی که به عنوان ایزد بانو و خدا بانو مورد تمجید و ستایش قرار می‌گرفته‌اند و علاوه بر تولد و پرورش کودک و باروری باعث خیر و برکت و پویندگی نیز بوده‌اند. با اعتقاد به این تقدسات و باروری و پویندگی زنان در سرزمین‌های مختلف به الهه‌هایی تعبیر شده‌اند به عنوان مثال الهه آب که یک خدای مونث است و در اسطوره‌ها نیز مطرح می‌شود.^۱

البته جایگاه زنان در جامعه آن روز تا به حدی رسیده بود که گفته‌اند به احتمال زیاد سخن گویی به شکل ابتدائی به جهت ارتباط با اجتماع و نیز ساخت منزلگاه برای حفظ فرزندان هم به زن نسبت داده شده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که در عصر باستان زنان وظیفه اصلی زندگانی را بر عهده داشتند و به خاطر مقام و منزلت و احترام آنان به اندازه یک ایزد پرستش می‌شدند و شاید مهم‌ترین علت همان خاصیت باروری و زایش و تولید مثل بود که باعث شد زن در این عصر مقدس معرفی شده و حتی به عنوان خدا

بانو و ربّ النوع مورد توجه و پرستش نیز قرار گیرد .

از جمله این تقدیسات و پرستشها در مورد زنان در اسطوره‌های مختلف تاریخ مثل اساطیر بین‌النهرین ، مصر ، یونان و ایران باستان باعث شد که خدایان مونث و ایزد بانوانی وارد مقدّسات مردم شود که ما در برخی از متون قدیمی با نام آنها بر می‌خوریم . چنانکه در اساطیر بین‌النهرین و در یکی از متون قدیمی سومری از خدا بانو (ایشتر) یا (اینانای سومری) به عنوان ایزد جنگ و عشق نام برده شده است و معرّف ارزش سیاسی و اجتماعی زن در آن به چشم می‌خورد که در اساطیر خدای مونث است که برای انتقام و نیز الهه‌های (ممی) و (ارورو) از دیگر ایزد بانوان بین‌النهرین که در اساطیر آن تمدن‌ها جایگاه خاصی برای خود دارند .

همچنین در اسطوره‌های یونانیان باستان نیز با اعتقاد به پرورش و باروری و زایش زن آفرینش اولیه توسط ایزد بانویی شروع می‌شود که نامش (گایا) Gaea می‌باشد و مادر زمینی است که مورد ستایش یونانیان قدیم بوده است . از دیگر خدایان مونث یونان (دیمیتر) است که پیام آور بهار و سرسبزی بوده و یونانیان نعمت کوه المپ را به واسطه باروری و تقدّس آن ایزد بانو می‌دانند . یا ایزد بانوی پیش‌گویی (تمیس) و نیز الهه ماه (سلنه) و ایزد حفظ خانه (هیستا) و (ژونو) الهه زناشویی و یا (آتنا) ایزد بانوی هنر و صنایع و خرد و یا (آفرودیت) یا (ونوس) الهه زیبایی و تناسب اندام و از جمله ایزدان مونث هستند که در اسطوره‌های یونان باستان

به نام آنها برمی‌خوریم و به نظر می‌رسد که تعداد ایزدها در یونان از سایر سرزمینها بیشتر است اما لازم به ذکر است که همزمان با دوران فرمانروایی (ژئوس) در یونان جامعه رفته‌رفته به طرف پدر سالاری سوق یافته و ارزش و شخصیت و تقدیس زن و ایزد بانوان یونان به اضمحلال کشیده می‌شود و ژئوس به عنوان خدای مذکر و فرمانروای مطلق همه چیز را تحت سیطره خود در می‌آورد.

همچنین ایزد بانوان ایران باستان به طرز دیگری در اساطیر مطرح هستند اولین الهه ایران باستان (آناهیتا) یا (آناهید) سنبل باروری و آب و برکت که در مجسمه‌ها به شکل زنی است که در دستش کوزه یا مشک آبی دارد و آب به زمین ریخته و مظهر باروری و سیرابی است که در متون دینی اوستا هم نام او را آورده‌اند.

از الهه‌های دیگر در ایران سه الهه مونث بیشتر مورد توجه بوده‌اند که اولین آنها الهه مادر یا (دئنا) نامیده می‌شده است. دومین الهه در ایران باستان الهه همسر یا (آرمیتی) و سومین آنها الهه دختر یا همان (آناهیتا) را می‌توان نام برد.

از دیگر بانوانان ایران باستان که در اوستا هم به نام آنها برمی‌خوریم یکی الهه (اشی) بوده است. (ای اشی، نظر خود را معطوف به من نما و بخشایش خود را به من مرحمت نما، ای اشی بزرگووار و زیبا).

از دیگر الهه‌ها (پارندی) که در ایران باستان مظهر باروری و نیز

(چستی) و (دننا) که هر دو خدا بانوی دانایی و فرزاندگی هستند .
 از سوی دیگر از بین شش امشاسپند ، سه امشاسپند مونث داریم که عبارت بودند از (سپند ارمذ) فرشته جامی زنان که روز ۲۹ بهمن مخصوص این امشاسپند بوده است و در قدیم آن را جشن می‌گرفته‌اند و ابوریحان بیرونی گفته که مردان در این روز باید به زنان خود مزد بدهند از سایر امشاسپندان (امرداد) یا امرتات Amertat و نیز (خرداد) یا (هروتات) Haurvatat از امشاسپندان مونث بوده‌اند که ستایش این بانوان همگی دلیل و نشان شخصیت والای زن در ادوار باستان بوده است که گاهی به فره ایزدی تبدیل گشته و مورد ستایش و تمجید ایرانیان قدیم قرار می‌گرفته است .

چنانکه هرودت می‌گوید : (زن در نزد آریایی‌ها مقام برتری نسبت به زنهای آریایی و ژرمنی و یونانی تا قبل از قرن پنجم میلاد داشته است .)

البته در ایران باستان همزمان با ورود آریایی‌ها و با حکومت مادها و هخامنشیان رفته‌رفته حق و حقوق زنان نادیده گرفته شده تا جایی که در زمان ساسانی زن حق و حقوقی نداشت و اصلاً به شکل انسان به او توجه نمی‌شده است .

حتی بزرگمهر سبب ویرانی سلسله ساسانی مردان خردمند و سر و کار داشتن با زنان مطرح کرده و می‌گوید : (هرگاه کار پادشاهی با زنان کودکان افتد بدان که پادشاهی از آن خانه بخواهد رفت) .

البته سرکوب شدن زنان و همزمان با آن بی‌توجهی به خدا بانوان در غرب با یورش هندی‌ها و اروپائیان شروع شده و علی‌الخصوص با مذهبیهی چون یهودی و مسیحیت که زن ستیزی را در آیین خود رواج می‌دهند ادامه می‌یابد و البته آنان زن را به عنوان یک فرشته چون مریم مقدس می‌دانند و معتقدند که در زمین خاکی مثل او را نمی‌توان یافت .

خانم (مرلین استون) می‌نویسد : سرنگونی خدا بانوان که با تهاجمات هند و اروپایی آغاز گشت با توسعه مذاهب یهود و مسیح و غیره به نهایت خود رسید - خدای نرینه اکنون مقام والا را داشت و خدا بانوان به پشت صحنه گریختند و زنان جامعه نیز همان طریق را دنبال کردند .^۱

به این ترتیب با آغاز دوره مرد سالاری ، مردان مبنای خیر و زنان مبنای ضعف و ناتوانی شناخته شدند و اندیشه زن ستیزی در باستان با ظهور برهما ، زئوس و بعدها با معرفی یهوه به عنوان فرمانروای مطلق رواج یافته و زنان به طور کلی از صحنه خارج شده و روحانیت آنها نیز زیر سؤال برده شد . فره ایزدی را از زن دور کردند و اعتقاد به ربّ النَّوع مونت و ایزد بانوان در بین مردم ضعیف شده و کم‌کم به سوی زوال کشیده شد . و ارزش و حقوق اجتماعی و دینی زن سرکوب شد بطوریکه خانم استون می‌گوید : (این موضوع که سرکوب آیین زنان تا چه حدی حقوق زنان را پایمال کرده همواره سؤال بر انگیز می‌باشد .)^۲

۱- زن در شعر فارسی ، زینب یزدانی ، ص ۲۷

۲- نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان ، ص ۳۲ و ۳۳

منابع و مأخذ :

۱) اساطیر و فرهنگ ایرانی ، رحیم عفیفی ، انتشارات توس ، تهران ، چاپ اول

۱۳۷۴

۲) اوستا ، هاشم رضی ، انتشارات روم ، تهران ، چاپ اول ۱۳۶۹

۳) تاریخ تمدن ، ویل دورانت ، ترجمه احمد آرام ، انتشارات انقلاب اسلامی ،

چاپ اول ۱۳۶۵

۴) تصویر زن در فرهنگ ایران سید محمدعلی جمالزاده ، انتشارات امیرکبیر

، تهران ۱۳۵۷

۵) زن در شعر فارسی ، زینب یزدانی ، انتشارات فردوس ، چاپ دوم تهران

۱۳۷۸

۶) زن ، جمیله کدیور ، انتشارات اطلاعات تهران ، چاپ اول ۱۳۷۵

۷) سیمای زن در فرهنگ ایران ، جلال ستاری ، نشر مرکز ، چاپ اول ۱۳۷۳

۸) نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیا ، منیر گرجی ، انتشارات مرکز

مطالعات و تحقیقات ، چاپ اول ۱۳۷۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی